

آیین اختتامیه جشنواره دانش‌جویی حرکت‌های جهادی هجرت همزمان با سالروز تشکیل سازمان بسیج سازندگی در تالار ابن‌سینای دانشگاه تهران برگزار شد که استاد حسن رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی از سخنرانان این برنامه بود.
نی توجه به رشد چشمگیر استقبال نسل جوان به فعالیت های جهادی در مناطق محروم و به جهت ترویج فرهنگ خدمت رسانی بی‌منت و مجاهدانه، گزیده‌هایی از این سخنرانی را منتشر می‌کنیم:

روحانوتی که با مردم با هم زندگی می‌کند

رسول خدا(ص) فرمودند **«لکل شیء مفتاح و مفتاح الجنَّة حُبُّ المسلمان و الفُقراء»** هر قلبی کلیدی دارد و کلید بهشت حب و دوست داشتن فقرا و خدمت به آنان است.

رحیم پور ازغدی ضمن عنوان مطلب فوق، و با اشاره به اینکه رسول اکرم(ص) آمد تا راهبای بهشت را نشان دهد، افزود: یک راه قطعی برای ورود به بهشت حُبّ مساکین و فقرا و خدمت به آنان است. در روایتی از پیامبر(ص) آمده است که خودتان را محبوب فقرا کنید زیرا دولت در روز قیامت، دولت فقرا است. در روز قیامت اغنیاء و ثروتمندان گرفتارند و فقرا به آسانی و به سرعت از پل صراط عبور می‌کنند و حسابرسی فقرا در قیامت بسیار آسان تر از اغنیاء خواهد بود.

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

وی گفت: فرهنگ جهادی از جمله ارزشهایی است که متعلق به صدر اسلام است و در سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) آمیخته شده است؛ آنان تعقیبات بعد از نماز شششان رفتن به در منازل فقرا و دادن غذا به آنان بوده است وهیچ یک از اهل بیت(ع) از این مسأله مستثنی نیستند. آثار کیسه هایی که به دوش می‌کشیدند روی شانه و دوش آنان نمایان بود. در کر بلا پیکر بی‌سر و قطعه قطعه شده امام حسین(ع) را امام سجاد(ع) از روی همین آثار بر دوش پدرش شناسایی نمود.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: پیش از پیروزی انقلاب، جریان‌هایی که در مسیر انقلاب با ایدئولوژی اسلامی بودند یکی از کارهای ثابت و اجواب‌شان در کنار مطالعات سیاسی و اسلامی شان، اردوهای جهادی بود. آنان فقرای هر منطقه را شناسایی و به آنان رسیدگی می‌کردند. امام(ره) فرمود فاصله طبقاتی را جز به دست ملت نمی‌توان برچید.

وی در ادامه با اشاره به دو مقوله فکری مدعی تمدن سازی، گفت: در روش اول خدمت به خلق، انفاق و ایثار مفاهیم علمی نیست؛ و توجیه اقتصادی ندارد و هرگاه در تفکر سرمایه داری مسائل اخلاقی و عدالت خواهی و احساسات انسانی را درخالت دهید، از عنیت نزول کرده و این مطلب مخالف توسعه می باشد.

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

وی افزود: در این روش، تولید و توزیع کالا از جنبه های

بسیاری بر این باورند که او برنامه‌های وسیعی را برای

تغییرات ایدئولوژیک میان طلاب تدارک دیده است.

بعید از افول سنتاره عبدالکریم سروش در پهنه روشن‌فکری و جریان اصلاح طلبی در ایران، ابن ملکیان می‌باشد که به عنوان چهرهای نوظهور در ساحت نظام فکری جبهه ضدانقلاب برکشیده است. ملکیان یکی از نویسندگان ثابت ماهنامه کبان می‌باشد و از بدو حضور مؤسسه‌های حلقهٔ فتنه سبز، آنها را به این نتیجه رسانده که سرچیز از دیدار تانکون عبدالکریم سروش،

سهام عمده‌ای در ترویج سکولاریسم و دین‌ستیزی داشته است ولی در سال‌های اخیر، رهبران و طراحان انقلاب مخملی در جلسات اتاق فکر خود تصمیم گرفتند «با کنار گذاشتن عبدالکریم سروش از بدنه رهبری حرکت سبز، فرد مناسب‌تری را برای جایگزین کردن در سمت تئورری‌پرداز دینی حرکت سبز انتخاب کنند. جلسات هنوز حلقه کبان می‌تواند منبع خوب و مورد اعتمادی برای انتخاب یک تئوری‌پرداز دینی باشد، اما کدام یک از مهره‌های حلقه کبان می‌توانست بار این مسئولیت را بر دوش بکشد؟ ماشاءالله شمس المولظین، محمد مزین‌نورانی، سعید حجاریان، محسن آرمین و… گزیده‌هایی از حلقه کبان بودند که قابلیت تصدی این

نگاهی به حرکت جهادی دانشجویی؛

تبدیل فرهنگ تحقیر فقرا به فرهنگ تعظیم فقرا



دیگر غیر علمی است و آن را پیشرفت و توسعه نمی‌شناسند و این نوع اقتصاد را اقتصاد مدرن می‌نامند و تنها معیاری که می‌شناسند واحد پول است.

رحیم پور ازغدی گفت: طبق این دیدگاه انسان عاقل انسانی است که بخشی از عوامل تولید را هزینه می‌کند و کالایی را تولید می‌نماید؛ آن را مبادله کرده و از سود آن بر دارایی خود اضافه می‌کند. در این نوع جامعه واحد پول و دارایی تنها واحد اجتماعی پذیرفته شده است و ارزش اقتصادی جنبه اصلی حاکم بر روابط اجتماعی است. عاقل کسی است که بتواند هزینه تولید را صفر نماید تا سود بیشتری نصیبش گردد. طبق این دیدگاه عقل اقتصادی یعنی سود بیشتر شخصی.

وی با اشاره به قدرت اقتصادی، قدرت خرید، ارزش قدرتی به عنوان سه قدرت مطرح در این دیدگاه افزود: زمانی که تعریف انسان محدود به انسان اقتصادی شد، تعبیری که بیان شد نهایت انسان بودن را می‌رساند، اما اینبا آمدند که بگویند این مسائل تک و وضع مراتب انسان است. محاسبات مادی را حیوانات نیز دارا هستند.

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

یک حیوان چهارپا از بین سه بسته عولفه توجه می‌کند که: ۱. کدام‌یک نزدیک‌تر است یعنی انرژی کمتری مصرف می‌کند ۲. کدام‌یک خوشمزه‌تر است یعنی لذت و ارضاء میل و رضایت بیشتر را به دنبال دارد ۳. تهدید کدام‌یک کمتر است.

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

این استاد دانشگاه گفت: اقتصاد سرمایه داری در باب مفهوم عدالت تصریح میکند که خدمت به خلق و ایثار و هم‌دردی با دیگران مفاهیم علمی نیست. آنان

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

تبارشناسی مؤسسه پرسش – قسمت ششم

احمقانه فکر کنید عاقلانه ژست بگیرید

نگاهی به احوالات مصطفی ملکیان

دکتر حسین روحانی*

معنویت "خویش خاطر نشان می‌کند: "این پروژه، یک پروژه سکولاریستی است، به معنای اینکه تا آنجا که ممکن است مبنای تصمیم‌گیری‌های جمعی را در ساحت‌های مختلف، مبنای دینی نمی‌داند. یعنی معتقد نیست که ما باید از دین تلقی کتاب قانون داشته باشیم... سکولارها، مبنای تصمیم‌گیری را تعاید دینی و مذهبی خاصی قرار نمی‌دهند." او در تناقض با این اظهارات در جای دیگری می‌نویسد: "متقدم که مدرنیته با دین‌داری سازگار نیست و جان کلام من برای نشان دادن این‌نا سازگاری این است که به نظرم قوام دین‌داری به تعبد است...".دماهی که شما نسبت به سخن کسی پاکسانی متعبد نباشید نمی‌توان گفت که شما دین‌دار

سکولار است، نمی‌تواند به تمامی معنا سکولار باشد."۱۱ اگر ملکیان که به تاسی از کارفرمایان خویش درصدد خدشدار نمودن اسلام فقهاتی و رواج عرفان‌های کاذب است، در تکمیل آراء خویش در باب "عقلانیت و معنویت" می‌نویسد: "من معنویت را به معنای تدین منعقلانه می‌گیرم، دیانت عقلانی، دیابنتی که عقلاتی شده است یا به تعبیر بهتر فهمی از دین که فهمی عقلانی است. این فهم از دین که فهم عقلانی از دین است به گمان من هم حق است و هم به صلح‌ت ماست؛ اولاً حق است چون منطقاً قابل دفاع‌تر است و هم به صلحت است به دلیل اینکه روایت‌های دیگر را انسان امروز نمی‌تواند دیگر بپذیرد... درحالی‌که این معنویت برای هاشمه انسان امروز، آسان‌تر از فهم و قبول هرکدام از روایت‌های دیگر است."۱۲ معنویت که ملکیان از آن دم می‌زند، چیزی جز یک خودخواهی و سودطلبی بی‌حقیقت نیست. اگر برای معنویت فقط و فقط، شأن پرآگاماتیستی قائل باشیم، از حقیقت تهی و صرفاً ابزاری برای آسایش دنیوی شده است. ملکیان تلقی ابزارگرایانه از دین دارد و به صراحت تأکید می‌ورزد که: "من همواره از رویکرد نتیجه‌گرایانه دفاع کرده‌ام و اساساً معتقد به رویکرد وظیفه‌گرایانه نیستم."۱۳ ملکیان در برابر این سؤال که آیا در سپروژه او عقلانیت بر معنویت مقدم است، می‌گوید: "بله، در واقع نه تنها عقلانیت مقدم است بر معنویت، بلکه اصولاً مقدم بر آن به شمار می‌آید. بدین معنا که معنویت از دل عقلانیت بیرون می‌آید... در واقع منتهی الیه عقلانیت به معنویت می‌رسد و من معتقدم ایمان یعنی همین"۱۴. استاد مؤسسه پرسش در جای دیگری خاطر نشان می‌کند: "جهان رو به سوی معنویت بیشتر دارد؛ اما این بدان معناست که از پوسته خاتمی-لیدر جریان اصلاحات- است که در جایی می‌شود این است که چرا نمی‌توان هم‌زمان معنوی و اخلاقی بود و هم به ظواهر دین توجه داشت؟ مگر نه این است که اصول و موازین اخلاقی نشأت گرفته از آیات قرآن و سیره پیامبر و ائمه اطهار است و اخلاق بما هو اخلاق نمی‌تواند از انسان دست‌گیری کند. اخلاقی که ملکیان کبیاده آن را می‌کشد، اخلاقی سکولار می‌باشد و بی‌جهت نیست که در سال‌های اخیر کسانی نیز به بهانه رواج معنویت و اخلاق، به ترویج و اشاعه

هستید. کسی مسلمان است که در سخن پیامبر به هیچ وجه چون و چرا نکند... اما از سوی دیگر، به نظر من قوام مدرنیته به عقلانیت پدید آمد. اگر این دو سخن را بپذیریم شکی باقی نمی‌ماند که دین‌داری با مدرنیته سازگار نیست. چون در دین‌داری تعبد هست که با عقلانیت، یعنی با خوداندیشی و داوری استقلالی سازگاری ندارد."۱۵ این سخنان سرتاسر قلب شده در باب دین و نسبت آن با مدرنیته در حالی لقلقه زبان ملکیان شده است که اسلام از بدو پیدایش خویش تاکنون با تمسک جستن به اصول عقلانی توانسته است اقصی نقاط گیتی را درنوردد و اتهام ضدعقلانی بودن دین ایتامی بی اساس و مغرضانه می‌باشد که محلی از اعراب ندارد. در عین حال این نکته را نیز نباید از یاد برد که اسلام با اصالت دادن به عقلانیت ابزاری و سوبژکتیویسم مخالف می‌ورزد و این همان نکته‌ای است که روشنفکران سکولار را می‌آزارد. استاد مؤسسه پرسش با را از نیز فراتر می‌گذارد و به صراحت خود را روشنفکری سکولار معرفی می‌کند و در این خصوص می‌گوید: "روشفکری دینی، به همان مقدار که دینی است، به هر حال باید به دین در تصمیم‌گیری‌های جمعی، بها بدهد که بنده همین کار دارم با روشنفکران دینی فاصله می‌گیرم. بنابراین روشنفکر دینی اگر

دانشگاه Daneshgah@Kayhannews.ir

و اجتماعی به حسب استحقاق اعضاء جامعه است را قبول ندارند ۲. در عدالت تعویضی یا جبرانی که رعایت تساوی در داد و ستد است را نمی‌پذیرند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: در تفکر اسلامی هیچ طبقه‌ای وجود ندارد و همه در برابر خدایند مساوی هستند و باید کار و تلاش کنند و گدایی و سرقت بسیار بی‌ارزش است. پیامبر فقرا از باب زهد و نخواستن را مایه فخر دانست و کسی که اشخاص را براساس موقعیت اقتصادی ارزش‌گذاری کند، فاقد دین می‌شرد.

رحیم پور ازغدی با ذکر این فرموده پیغمبر که "الفقر فخری؛ فقر، افتخار من است" افزود: فقر، نه از بُعد بیچارگی بلکه فقر به معنای زهد است. پیامبر(ص) فرمود اگر کسی به فقیری توئین کند به خاطر فقرش و به ثروتمندی احترام بگذارد به خاطر پولش، نمی‌از دینش را از دست داده است. یعنی اگر کسی مردم را بر اساس موقعیت اقتصادی آنان ارزش‌گذاری کند نیمی از دینش را از دست داده است.

وی افزود: از دیدگاه سرمایه داری کسانی که از موضع اخلاق وارد فعالیت اقتصادی می‌شوند، متوجه اقتصاد نیستند و اقتصاد از نمی‌شناسند و مانع توسعه می‌شوند. نفع فردی اگر با همبستگی اجتماعی تلافی پیدا کند، باعث می‌شود رقابت کم شود و در جامعه‌ای که در آن رقابت نباشد، پیشرفت نیست.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به اینکه رقابنتی که با همبستگی قابل جمع است پسنده است، گفت: در دانشگاه اسلامی باید رقابت باشد، اما این رقابت باید توأم با همبستگی و وحدت انسانی و اخلاقی باشد. رقابت صحیح تکامل، تفاوت منطق اسلامی با سکولار است.

وی گفت: جامعه اسلامی جامعه بدون فقرا است؛ اگر در جامعه‌ای فقر است، به همان اندازه غیر اسلامی است؛ در فرهنگ اسلامی بیان شده اگر فقرا از یک در آمد ایمان از در دیگری می‌رود. پس جامعه‌ای که فقر دارد، زمینه فقر در آن وجود دارد. جامعه اسلامی جامعه‌ای است که در آن با فقر مبارزه شود. هدف الهی و اسلامی این است که در کل جامعه جهانی فقر ریشه کن شود.

رحیم پور ازغدی در پایان گفت: اقتصاد اسلامی، اقتصاد عقلی و تجربی به اضافه اخلاق و معنویت و برابری و احساس است و جامعه اسلامی نباید متکثر باشد؛ یعنی همه در آن مسابقهٔ رفاه بگذارند، مسابقه تشریفات و اشرافی‌گری بگذارند. جامعه اسلامی یعنی جامعه منهای تکاثر و منهای فقر. در فرهنگ اسلامی، اردوهای جهادی کمک می‌کنند تا فرهنگ تحقیر فقرا تبدیل به فرهنگ تعظیم فقرا گردد و از این جهت نیز نوعی جهاد مقدس است.

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

عرفان‌های کاذب مبادرت ورزیده‌اند. معنویت مورد وثوق ملکیان، پهلو به پهلو با پهلوئی عرفان‌های کاذب می‌زند. استغاف شورانر-ژ-نویسنده و تحلیل‌گر غربی- فاش می‌کند بر اساس طرحی محرمانه که در پنتاگون بررسی شده است، یکی از هفت هدف غرب برای موفق شدن در دنیای اسلام، کمک به بازگشت تصوف به این جوامع است که به عنوان جایگزین و رقیبی برای اسلام رادیکال به شمار می‌رود. برنارد لویس- پژوهش‌گر اسلام‌ستیز- هم در کنفرانسی که در بنیاد نیکسون برگزار شد، به دولت بوش پیشنهاد کرد که برای ارتقای سطح گفت‌وگو بین آمریکا و دنیای اسلام با شیخ محمود کعبانی، رهبر بزرگ‌ترین گروه صوفیه به مذاکره بنشیند.^{۱۵} ملکیان در قاطبه آثار خویش، تلقی کار‌کردی از دین را در معرض و مرثای مخاطب قرار می‌دهد و می‌نویسد: "ملاک حقایقت هر دین این است که آن دین بتواند انسانها را از زائل اخلاقی دور و به فضائل اخلاقی نزدیک کند و نیز بتواند مشکلات ذهنی-روانی آنان را مرتفع سازد. حال اگر بتوانیم نیاز آدمی به سلامت ذهنی-روانی را دو زیار وجودی انسان تلقی کنیم، می‌توانیم بگوییم که ملاک حقایقت هر دین این است که آن دین بتواند نیازهای وجودی انسان را برآورده کند. بدین قرار، کارکرد دین عبارت است از بهسازی اخلاقی و ذهنی-روانی انسانها."۱۶ استاد مؤسسه پرسش، با تقلیل دین به اخلاق و معنویت و فروکاستن عقلانیت به عقلانیت ابزاری، عملاً و محققاً تیسه به ریشه مبنای جمهوری اسلامی می‌زند. او در روشنفکران این نکته را متذکر می‌شود که: "به نظر من عمده مسائل ما، مسائل فرهنگی هستند و روشنفکران دینی ما باید توجه کنند که مسائل

سیاسی معلول مسائل فرهنگی هستند، اگر تغییر فرهنگی در جهت مطلوب حاصل آمد، به تعبیر مارکس نظام‌های سیاسی ناسالم خود می‌پزمرند و نیاز به فعالیت برای اسقاط آنها نیست و آهسته آهسته کارکردشان را از دست خواهند داد... اقتصاد و سیاست امور بیرونی هستند و این دو اصلاح نخواهند شد، مگر امور انفسی انسانها که امروز از آنها با عنوان امور فرهنگی تعبیر می‌شود، تغییر مطلوب پیدا کند. به همین دلیل روشنفکری دینی در صورتی توفیق خواهد داشت که مستقیماً سراغ تعلیم و تربیت برود... نکته دیگری که روشنفکری دینی باید به آن توجه کند این است که اگر ما قصد داریم مردم عوض شوند، باید علوم و معارفی که در اختیار آنها قرار می‌دهیم، به آستانه آگاهی آنها برسد. برای اینکه آن علوم و معارف به آستانه آگاهی مردم برسد، باید آنها را به لسان مردم بگوییم."۱۷ رشد قارچ‌گونه مؤسسات علمی-پژوهشی سکولار و برپشتیبانی ماهنامه مهرنامه به وضوح نشان‌گر این امر است که دست‌اندرکاران ناتوی فرهنگی دشمن به تاسی از آراء ملکیان، اهمیت مضاعف رویکرد فرهنگی را در استتالان فرهنگ اسلامی می‌یابند، دریاقت‌افزای و به همین اعتبار وقع بسیاری به اندیشه‌های ملکیان می‌نهند. ملکیان در جای‌جای آثار خویش از سکولاریزم دفاع می‌کند و در این باب می‌گوید: "انسان مدرن از طرفی عقلانیت و استدلال‌پذیری مدرنیسم را با تعبد ناشی از ایمان به دین موجود ناسازگار می‌بیند و از طرفی نیاز به دین را احساس می‌کند که خلأ وجودیش را در آن بی‌یابد. معنویت نوعی دیانت است که با" متافیزیکی‌اش را به کمترین حد ممکن رسانده است"۱۸

این اظهارات ملکیان در هم‌پوشانی با آراء سیدمحمد خاتمی-لیدر جریان اصلاحات- است که در جایی می‌گوید: "دماهنه دین بسیار وسیع است، در حوزه دین ما در تاریخ رجوع کنیم، ببینید چقدر نظریه‌ها متفاوت بوده است. مگر به نام دین یک نظریه دینی دیگر تکفیر نشده است."۱۹ "در جامعه ما فرات‌های مختلفی از اسلام وجود دارد."۲۰ "اختلاف امری طبیعی است. فرات‌های مختلف از اسلام و دیدگاه‌های گوناگون تحت تأثیر عوامل متعدد تاریخی، روانی، خانوادگی و محیطی است

می‌شود که انسانها اختلاف‌ظن و تفاوت برداشت نسبت

باشند. اختلاف امر طبیعی است؛ به خصوص هنگامی‌که معصوم در میان ما نیست و ما متکی به برداشت‌های

صفحه ۸

چهارشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۲

۸ رمضان ۱۴۳۴ – شماره ۲۰۵۴۴

دانشگاه در جهه-۲۴

دانشجوی شهید محمود بدیعی

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

سیزدهم فروردین سال ۴۱ در خانواده‌ای مذهبی در شهر نطنز چشم به جهان گشود.آساله بود که به تهران نقل مکان نمودند. پدرش شغل آزاد گل فروشی داشت و محمود تحصیلات خود را در دبستان معراج و دبیرستانی در خیابان سپهرودی گذراند و موفق به اخذ دیپلم گشت. پس از اخذ دیپلم به خدمت سربازی در مناطق جنوبی ایران اعزام شد و پس از پایان دوره سربازی همزمان با بچپوچه انقلاب در آزمون ورودی دانشگاه شرکت کرد و پس از قبولی در آزمون، رشته کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی را انتخاب کرد. همزمان با درس و دانشگاه در تظاهرات علیه رژیم پهلوی شرکت می‌کرد و بسیار فعال بود. نوارهای صوت امام خمینی که سخنرانی ایشان بود را به منزل می‌آورد و با جان و دل گوش می‌داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج فعالیت‌های سیاسی‌اش بود که اسامی او و تنی چند از فعالان دیگر لو رفت و برخی از دوستانش به دست منافقین ترور شدند. محمود فعالیت‌های خود را با حضور در مساجد مثل حجت ابن الحسن (ع) ادامه داد. او در مسجد حجت ابن‌الحسن(ع) در خیابان سپهرودی درس اخلاقی می‌داد. پس از شروع جنگ تحمیلی و فرمان امام خمینی(ره) مبنی بر شرکت دانشجویان در جبهه، محمود به صورت داوطلب عازم منطقه شد و بیش از ۴ سال در جبهه جنگ علیه باطل مردانه جنگید و تلاش کرد. سراجان‌وی در تاریخ ۱۳/۱/۶۵ در عملیات والفجر ۹ به علت اصابت گلوله در منطقه فاو به درجه رفیع شهادت نائل گشت.

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

اهل معرفت می‌گویند ماه رمضان «دار ضیافت‌الله» است. این ماه رمضان، خانه مهمانی خدا است. حالا یک سؤال می‌خواهم بکنم:به حسب ظاهر، ما مؤمن هستیم.

ما مهمان خدا هستیم. امشب شب اول این مهمانی است؛ تازه وارد این خانه شده ایم، تازه داخل خانه مهمانی خدا پا گذاشته‌ایم. سؤال من این است:

اگر یک مهمان تقاضایی از میزبان داشت، وقتی همان ابتدا که به خانه میزبان رسید، به صاحب خانه گفت من چنین گرفتار‌ای دارم، کرامت او چه اقتضا می‌کند؟

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

آیا این‌طور اقتضا می‌کند که بگذارد وقتی مهمان می‌خواست از این خانه برود، حاجتش را به او بدهد، یا همین که وارد خانه شد، همان‌جا بدهد؟!

خدایا امشب، شب اول است و ما بای مان را داخل خانات گذاشته‌ایم؛ مهمان هم هستیم؛ همین دم در بیا

دستمان را بگیر و کار را تمام کن!

نگذار تا آخر ماه طول بکشد!

بگذار امشب که ما از اینجا می‌رویم، همه حاجت‌هایمان را بگیریم و برویم!

کرامت همین را اقتضا می‌کند ...

آقایان این است ...

آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی(ره)

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

خود هستیم که برداشت‌هایی بشری است"۲۱. اگر سخنان سیدمحمد خاتمی را در کنار آراء کسانی چون ملکیان، مصطفی، سازگاری عقلان غفلان سیاسی-اصلاح طلب از روشنفکران سکولاری چون ملکیان را درخواهیم یافت. دست‌اندرکاران مؤسسه پرسش با وقوف به اهمیت کار فرهنگی در تحقق بخشیدن به فروپاشی ایدئولوژیک نظام اسلامی، با میدان دادن به عناصری چون ملکیان برانند تحت لوای کار فرهنگی و فکری، منویات سران فتنه را محقق نمایند.

*** استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان**

روحانی که با مردم با هم زندگی می‌کند

۱ ملکیان، مصطفی، از: www.f.wikipedi.org/wiki/nxzd.tfr۲ پیشین

۳ نقش مصطفی ملکیان در تربیت طلاب سبز، از: www.jahannews.com/vdchx-nz۲۳nxzd.tfr۴ html

۴ ملکیان، مصطفی، عقلانیت و معنویت بعد از ده سال، ماهنامه مهرنامه، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹، شماره ۳.

۵ ملکیان، مصطفی، راهی به راهی، جستارهایی درباره عقلانیت و معنویت، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱، ص۷.

۶ پیشین

۷ ملکیان، مصطفی، عقلانیت و معنویت بعد از ده سال، ماهنامه مهرنامه، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹، شماره ۳.

۸ ملکیان، مصطفی، سازگاری معنویت و مدرنیته، روزنامه شرق، ۲۵ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۸۵۲، ص۱۲.

۹ ملکیان، مصطفی، سازگاری معنویت و مدرنیته، روزنامه شرق، ۲۵ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۸۵۲، ص۱۲.

۱۰ ملکیان، مصطفی، عقلانیت و معنویت بعد از ده سال، ماهنامه مهرنامه، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹، شماره ۳.

۱۱ ملکیان، مصطفی، معنویت و عقلانیت، تدین متعقلانه، هفته ملی، ۱۴ بهمن ۱۳۸۲.

۱۲ ملکیان، مصطفی، عقلانیت و معنویت بعد از ده سال، ماهنامه مهرنامه، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹، شماره ۳.

۱۳ ملکیان، مصطفی، سازگاری معنویت و مدرنیته، روزنامه شرق، ۲۵ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۸۵۲، ص۱۲.

۱۴ ملکیان، مصطفی، عقلانیت و معنویت بعد از ده سال، ماهنامه مهرنامه، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹، شماره ۳.

۱۵ پیدا و پنهان دروایش گمبادی، از: www.javanonline.ir/vdchm-nk۲۳

۱۶ ملکیان، مصطفی، ملاک حقایقت هر دین، از: www.nilofar.com

۱۷ ملکیان، مصطفی، متفاوتی و همجواری تهران؛ نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۶، صص۲۹۶-۲۹۷.

۱۸ ملکیان، مصطفی، سنت و سکولاریزم، تهران؛ نشر صراط، ۱۳۸۲، صص۲۸۳-۲۸۴.

۱۹ سخنرانی سیدمحمد خاتمی، ۷مهر ۱۳۷۷.

۲۰ سخنرانی سید محمدخاتمی، ۱۴اسفند ۱۳۷۶.

۲۱ سخنرانی سیدمحمد خاتمی، ۲۲تیر ۱۳۷۷.